

عنوان مقاله:

مدل راهبردی طالبان در روند دولت سازی دوم در افغانستان

محل انتشار:

فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، دوره 14، شماره 3 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

عبدالرضا عالی شاهی - دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

ندا حسن پور - دکتری مدیریت، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

کرم سینا - استادیار مدیریت، دانشکده فنی امام محمد باقر (ع) ساری، ساری، ایران

خلاصه مقاله:

در این تحقیق، هدف نویسندگان ارائه پاسخی مستدل به این سوال است که مدل راهبردی طالبان در روند دولت سازی دوم در افغانستان مبتنی بر چه مولفه هایی است و این امر چه چالش ها و فرصت هایی برای ایران در پی دارد؟ روش تحقیق از نوع کیفی با ماهیت اکتشافی است. جامعه آماری مقاله حاضر نخبگان و پژوهشگران حوزه علوم سیاسی، مطالعات منطقه ای، روابط بین الملل و ژئوپلیتیک است که با استفاده از روش نمونه گیری نظری و هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری با ۴۰ خبره مصاحبه عمیق انجام شد و در بخش کمی، برای سنجش مدل پرسشنامه محقق ساخته ای با روش نمونه گیری در دسترس در بین ۹۰ نفر از نمونه ها توزیع گردید. داده ها در بخش کیفی با روش کیفی تئوری داده نیاد و نرم افزار MAXQDA¹⁰ و در بخش کمی با روش معادلات ساختاری، الگوریتم حداقل مربعات جزئی با نرم افزار SMART PLS تحلیل گردید. یافته ها حاکی از آن است که مدل راهبردی طالبان در دولت سازی دوم افغانستان دارای ۱۱ مولفه و ۳۵ شاخص به شرح ذیل می باشد: شرایط علی (۱. حضور نیروهای امریکایی و ناتو ۲. شکست روند دولت سازی در افغانستان)؛ شرایط زمینه ای (۳. تاکید بر تحقق دولت اسلامی ۴. تلاش برای تقویت پایگاه اجتماعی و مردمی)؛ شرایط راهبردی (۵. تلاش برای تحقق دولت اسلامی اعتدالگرا ۶. تلاش برای وحدت قومیتی در افغانستان ۷. تلاش برای ائتلاف با قدرت های منطقه ای)؛ شرایط مداخله گر (۸. حمله مجدد ائتلاف بین المللی به افغانستان ۹. تشدید تقابل گرای طالبان و داعش) و پیامدها (۱۰. فرصت های ایران ۱۱. چالش های ایران) است.

کلمات کلیدی:

افغانستان، رادیکالیسم، دولت سازی، طالبان، مدل راهبردی، ایران

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1722981>

